مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد
دوره پانزدهم، شماره۴ ،زمستان ۱۳۹۹
صفحه: ۲۸۶-۲۷۱

Journal of Medical Education and Development
Vol.15, No.4, Winter2021
Pages: 271-286

شناسایی آسیب‌ها و بدکارکردی‌های روانشناختی دانشجویان مشروطی: مطالعه‌ای پدیدارشناسی

ابوالفضل امینیان [۱]، عبدالباسط محمودپور [۲*]

چکیده

مقدمه: مشروط شدن، یکی از مشکلات رایج در بین دانشجویان دانشگاهی است که با گستره‌ای از آسیب‌های روانشناختی و بین-فردی همراه است و عملکرد فرد را با اختلال مواجه می‌کند. هدف پژوهش حاضر بررسی کیفی آسیب‌ها و بدکارکردی‌های روانشناختی دانشجویان مشروطی بود.

روش کار: این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی تفسیری انجام گردید. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل تمام دانشجویان مشروطی مقطع ارشد در دانشگاه علامه طباطبایی در سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۴ بود. روش نمونه‌گیری نیز نمونه-گیری هدفمند بود که طی آن از بین جامعه موردنظر تعداد ۱۶ نفر برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند و موردِ مصاحبه قرار گرفتند. همه مصاحبه‌ها ضبط و سپس خط به خط دست‌نویس شد و در نهایت با استفاده از روش تحلیل تفسیری Diekelmann و همکاران تحلیل گردید.

نتایج: ۱۶ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد و تحلیلِ داده‌هایِ حاصل از مصاحبه منجر به شناسایی و طبقه‌بندیِ شش مضمونِ اصلی (آشفتگی‌ها و ناراحتی‌های روانشناختی، هیجانات ادراکی ناخوشایند، خلل‌های ذهنی _ شناختی، سوگ حل‌نشده، عزت‌نفس پایین، شکست‌ها و ناخوشایندی‌های ارتباطی) و ۲۶ مضمون فرعی در زمینه‌ی آسیب‌ها و بدکارکردی‌های روانشناختی دانشجویان مشروطی گردید.

نتیجه گیری: با تکیه بر نتایج حاصل بایستی برنامه‌های کارکردی با هدف اصلاح و بهبود آسیب‌ها و بدکارکردی‌های روانشناختی رایج در بین دانشجویان مشروطی طراحی و اجرایی گردد و بدین شکل کارآیی آن‌ها در رسیدگی به وظایف و تکالیف تحصیلی خود افزایش یابد.

واژه های کلیدی: آسیب، روانشناختی، دانشجو، شکست تحصیلی، پدیدارشناسی

۱- دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات،تهران، ایران.
۲- کاندیدای دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی،تهران، ایران.
* (نویسنده مسئول)؛ تلفن: ۰۹۱۹۷۷۵۸۰۴۴ پست الکترونیکی:mahmoudpour@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۷ تاریخ بازبینی: ۱۳۹۹/۰۳/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.18502/jmed.v15i4.5904]

مقدمه

سیر زندگی آدمی در برگیرنده‌ی مراحل مختلف سنی است که از این میان، مرحله جوانی متاثر از تحولات رشدی و وظایف کارکردی که در ابعاد درون‌فردی، بین‌فردی و محیطی با آن مواجه است از اهمیت کارکردی زیادی برخوردار است (۱). مرحله جوانی که بازه سنی تقریبا ۱۸ تا ۳۵ سالگی را در برمی-گیرد شروع آن با ورود به دانشگاه و شروع تحصیلات عالی همراه است (۳ ،۲). تحصیلات دانشگاهی دربرگیرنده‌ی مقاطع دوره‌ای مختلفی شامل کارشناسی، ارشد، دکتری و بعضا پسادکتری است که با توجه به رشته‌های تحصیلی افراد ۴ تا ۱۲ سال به طول می‌انجامد (۴). داشتن عملکرد تحصیلی مطلوب در دوره‌های مختلف به‌ویژه دوره دانشگاهی یکی از لازمه‌های رشد و موفقیت در ابعاد مختلف زندگی است (۵). با این‌حال پیشینه‌های نظری و تجربی در این زمینه بیانگر این واقعیت است که بسیاری از دانشجویان دانشگاهی با گستره‌ای مشکلات تحصیلی مواجه هستند که یکی از شایع‌ترین آن‌ها بروز بدکارکردی‌های درسی و افت تحصیلی است که نهایتا با شکست‌های مکرر در این حوزه و مشروط‌شدن همراه می‌باشد (۶). افت تحصیلی کسب نمره‌ای پایین‌تر از حدی است که فرد به‌صورت میانگین و در طول سال کسب کرده است. درواقع زمانی که موفقیت‌ها و نمرات اکتسابی فرد در دروسی خاص تا حد زیادی پایین بیاید، به اصطلاح گفته می‌شود که دچار افت تحصیلی شده است (۷). درواقع بررسی‌های علمی حاکی از آن است که دانشجویان دانشگاهی با گستره‌ای از مشکلات و بدکارکردی‌های درسی نظیر بی‌انگیزشی تحصیلی (۸)، فرسودگی تحصیلی (۹)، بی‌علاقگی تحصیلی (۱۰) و فقدان خودکارآمدی تحصیلی (۱۱) همراه می‌باشند، مشکلاتی که به مرور تمایل آن‌ها را به درگیرشدن در فعالیت‌ها و تکالیف تحصیلی کاهش داده و با مختل‌کردن عملکرد درسی‌شان زمینه بروز مشروطی تحصیلی آن‌ها را فراهم کرده است (۱۲). پدیده مشروطی به‌عنوان یکی از مشکلات تحصیلی دانشجویان، متاثر از اینکه معدل ترمی دانشجو پایین‌تر از ۱۲ می‌باشد به وقوع می‌پیوندد و مانع از انتخاب بیش از ۱۴ واحد در ترم بعد می-گردد (۱۳). به‌عبارت دیگر دانشجوی مشروطی دانشجویی است که معدل نمرات ترمی او کم‌تر از ۱۲ بوده و در نیم‌سال بعد قادر به انتخاب بیش‌تر از ۱۴ واحد نیست (۱۵ ،۱۴). پدیده مشروطی در بین دانشجویان دانشگاه‌های مختلف شیوع کارکردی زیادی دارد به‌گونه‌ای که MacManus (۱۶)؛ López-Bárcena و همکاران (۱۷) در پژوهش‌های خویش تصریح کردند که ۵ تا ۷ درصد دانشجویان دانشگاهی تجربه حداقل یک ترم مشروطی را داشته‌اند و همچنین ۳۰ تا ۳۲ درصد نیز تجربه تکرار یک واحد را حداقل در دو ترم متوالی داشته‌اند. در ایران نیز شیوع مشروطی در بین دانشجویان مقطع کارشناسی نزدیک ٪۱۲ و شیوع افت تحصیلی را بین ۳۰ تا ۳۲ درصد گزارش شده است (۱۹ ،۱۸).

علل و عوامل مختلفی در افت تحصیلی دانشجویان و مشروط‌شدن آن‌ها تاثیر دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به نگرش منفی نسبت به خویشتن (۲۰)، خودکارآمدی تحصیلی ضعیف (۲۱)، نداشتن مهارت‌های تحصیلی (۲۲)، عدم‌علاقه به تحصیل (۱۰)، بی‌انگیزشی تحصیلی (۲۳)، بدبینی گسترده (۲۴)، اضطراب و فقدان امنیت روانشناختی (۲۵)، افسردگی و آشفتگی روانشناختی (۲۶)، خودپنداره منفی (۲۰)، مصرف مواد مخدر و الکل (۲۷)، مشکلات رفتاری و عملکردی (۲۸)، ضعف سیستم آموزشی (۲۲)، بی‌ثباتی و آشفتگی سیستم خانواده (۲۹)، فقر اقتصادی و فشارهای مالی خانوادگی (۳۰) اشاره کرد. عواملی که وجود هرکدام از آن‌ها می‌تواند عملکرد تحصیلی دانشجویان را مختل کرده و مانع از پیشروی تحصیلی آن‌ها شود.

پدیده مشروطی به‌مرور تعادل و سلامت روان‌شناختی فرد را تحت تاثیر قرار داده و زمینه را برای شکل‌گیری ناراحتی‌های روان‌شناختی فراهم می‌کند (۲۲). آسیب‌هایی که از میان آن‌ها می‌توان به افزایش هزینه‌های تحصیلی همگانی (۱۳)، گرایش به انحرافات اجتماعی (۴)، اختلالات درونی‌سازی و برونی‌سازی (۲۲)، مشکلات و بدکارکردی‌های رفتاری (۲۸)، گرایش به مصرف مواد و الکل (۲۷)، ایجاد تنش‌های خانوادگی (۱۵)،

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.18502/jmed.v15i4.5904]

افسردگی (۲۶)، اضطراب (۲۵)، استرس و فشار روانی (۳۱)، احساس گناه و خودتقصیرانگاری (۲۲) اشاره کرد.

افت درسی و مشروطی نه‌تنها پیشرفت تحصیلی فرد را با خلل مواجه می‌کند، بلکه موجبات بروز طیفی از ناراحتی‌های روان‌شناختی را نیز در او فراهم می‌کند که تشدید و تداوم آن به‌مرور کارآیی فرد را در رسیدگی به تکالیف خود حتی در سایر حوزه‌های زندگی نیز با اختلال مواجه می‌کند. این مطالب به‌خوبی ضرورت تدوین برنامه‌هایی آموزشی، پیشگیرانه و درمانی را با هدف کاهش شیوع این معضل و جلوگیری از تشدید آسیب‌های روانشناختی حاصل از آن را در دانشجویان آشکار می‌سازد. تدوین برنامه‌هایی کارکردی در این زمینه مستلزمِ بینش دقیق نسبت به پدیده مشروطی و پیامدهای روانشناختی آن می‌باشد. با اینکه پژوهش‌های موجود تا حدی پدیده مشروطی و ابعاد آن را روشن ساخته‌اند، با این‌حال بیش‌ترِ این پژوهش‌ها در قالبی کمی و با تمرکز بر پرسشنامه‌های محدود انجام شده است و تاکنون پژوهشی، این پدیده و پیامدهای آن را با بهره‌گیری از روش کیفی و با تمرکز بر دنیای پدیدارشناسی دانشجویان مشروطی مورد بررسی قرار نداده است. این پژوهش در قالب روش کیفی سعی دارد بر دنیای پدیدارشناسی افراد متمرکز شود و تجارب آن‌ها را در حوزه مشروطی و تاثیرات مخرب آن بر عملکرد روان‌شناختی آن‌ها مورد بررسی قرار دهد. بررسی آسیب‌ها و بدکارکردی‌های روان‌شناختی شایع در بین دانشجویان مشروطی در قالب ابزارهای کمی و پرسشنامه‌های موجود ممکن نمی‌باشد. درواقع هیچ ابزاری جهت ارزیابی چنین تجاربی وجود ندارد و این امر بهره‌گیری از روشی کیفی را ضروری‌تر می‌نماید. لذا این پژوهش بر این است که در قالبی کیفی و با بهره‌گیری از مصاحبه‌هایی نیمه‌ساختاریافته آسیب‌ها و بدکارکردی‌های روان‌شناختی دانشجویان مشروطی را مورد بررسی قرار دهد.

روش کار

مطالعه حاضر به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی تفسیری انجام شد. پدیدارشناسی تفسیری، هم یک مقوله فلسفی و هم یک روشِ تحقیق است که جهتِ درکِ پدیده‌ها از طریقِ تجاربِ انسانی گسترش یافت. هدفِ این روش، توصیف و تشریحِ پدیده‌هایِ خاص به‌عنوان تجاربِ زیسته است (۳۲). در این روش پژوهش بر مطالبی که افراد در زمینه پدیده مورد بررسی بیان می‌کنند، تمرکز می‌شود تا ضمن فهم عمیق پدیده مورد بررسی زمینه برای کشف و شناسایی پدیده‌هایی نو فراهم شود (۳۳). این روش کاربردی در پی فهم پدیده مورد بررسی از دیدگاه افرادی است که آن را تجربه کرده و عمیقا آن را ادراک کرده‌اند (۳۴).

جامعه مورد بررسی در این پژوهش شامل تمامی دانشجویان دختر و پسر مشروطی دانشگاه علامه طباطبایی در مقطع ارشد بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند بود. بدین‌صورت که پژوهشگر به دانشگاه علامه طباطبایی مراجعه و پس از پرس و جو از بخش آموزش به شناسایی دانشجویان مشروطی مقطع ارشد پرداخت. طی این بررسی تعداد زیادی از دانشجویان شناسایی و برای مشارکت در پژوهش انتخاب شدند. حجم نمونه نیز مبتنی بر اصل اشباع مشخص گردید، درواقع فرایند گزینش نمونه‌ها تا هنگامی ادامه پیدا کرد که در جریان کسبِ اطلاعات هیچ داده‌ی جدیدی پدیدار نشد و این اتفاق در شانزدهمین مصاحبه به وقوع پیوست.

معیارهای ورود به پژوهش حاضر عبارت بودند از دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی مقطع ارشد، حداقل یک ترم مشروطی، فقدان ناتوانی و یا نابهنجاری شناختی و روانی خاص (تشخیص از طریق مصاحبه) و تمایل به مشارکت در پژوهش. برای دست‌یابی به اطلاعاتی دقیق و جامع، عرصه‌ی مطالعه در حیطه‌ای گسترده انتخاب شد و مصاحبه‌شوندگان از دانشکده‌های مختلف دانشگاه علامه طباطبایی و از رشته‌های تحصیلی مختلف انتخاب شدند. برای شناسایی پژوهشگر به بخش

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.18502/jmed.v15i4.5904]

آموزش هر دانشکده مراجعه و دانشجویان مشروطی را شناسایی می‌کرد. سعی شد که مصاحبه‌شوندگان از بین دانشکده‌های مختلف انتخاب شوند و بدین‌شکل تا حدی غنای اطلاعات حاصل و قوه تعمیم یافته‌ها افزایش یابد.

برای گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق و نیمه-ساختاریافته استفاده شد. این نوع مصاحبه در عین تمرکز بر موضوع پژوهش، با دارا بودن انعطاف‌پذیری لازم به مصاحبه-شوندگان امکان می‌دهد به جنبه‌هایی از موضوع بپردازند که از دیدگاه آنها دارای اهمیت است (۳۲). در این روش مصاحبه، اعتماد مراجع جلب شد و پس از اینکه از هدف پژوهشگر و صداقت وی مطمئن شد، دیدگاهِ خود را پیرامون پدیده مشروطی و مشکلات روانشناختی متاثر از آن، آن‌گونه که تجربه کرده‌اند با استفاده از زبان و ادبیاتِ خاصِ خود تشریح کنند. برای تدوین سوالات مصاحبه، ابتدا پیشینه نظری و تجربی همسو با موضوع پژوهش مرور گردید و سپس با اساتید راهنما و مشاور (متخصص در تحقیق کیفی و طراحی سوالات مصاحبه) مشورت گردید. فرایند مصاحبه با یک سوال کلی پیرامون پدیده مشروطی (چطور شد که مشروط شدید؟ می-تونید در مورد این تجربه صحبت کنید؟) حاصل از آن آغاز گردید و در جریان مصاحبه از سوالات باز و کاوش‌گرایانه نظیر (لطفا در این مورد توضیحِ بیش‌تری بدهید؟ یا اگر برایتان مقدور است منظورتان را در این زمینه آشکارتر بیان بکنید؟) جهتِ دست‌یابی به جزییات و اطلاعاتِ غنی‌تر استفاده شد. توالی پرسش‌ها به فرایند مصاحبه و پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به سوالات وابسته بود و از شرایط و وضعیت یکسان و مشابهی در مصاحبه‌شوندگان مختلف برخوردار نبود. ۱۶ مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته انجام شد که هرکدام ۴۵-۶۰ دقیقه به طول انجامید. زمانِ مصاحبه (ساعتِ دقیقِ مصاحبه) و محلِ مصاحبه از قبل توسط فردِ پژوهشگر با توافق مشارکت‌کنندگان مشخص شد. داده‌ها در طول یک دوره ۷ ماهه جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری و در قالب مضامینِ اصلی و فرعی طبقه‌بندی گردید. برای رعایتِ اصول اخلاقی و پاسداری از حقوق مصاحبه-شوندگان، پژوهشگر اهداف و روش انجام پژوهش را به‌طور کامل برای اعضا توضیح داد و بدین‌شکل به آن‌ها این امکان را داد که با آگاهی کامل در مورد مشارکت یا عدم‌مشارکت در پژوهش تصمیم بگیرند. سپس به آن‌ها اطمینان داد که تمامی گفته‌های ضبط‌شده و اطلاعات به دست آمده در جریان پژوهش، کاملا محرمانه و با حفظ هویت افراد ثبت می‌شوند پس از انجام فرایند تجزیه و تحلیل و نگارش پایان‌نامه پاک خواهند شد. همچنین به آزادی افراد در خروج و عدمِ‌ادامه‌ی همکاری در پژوهش نیز تاکید شد.

جهت تحلیلِ اطلاعات، از روش تحلیلِ تفسیری Dikelman و همکاران (۳۵) استفاده شد. هدف از تحلیل داده‌ها در این شیوه کشف مفاهیم و سپس مضامین کلی است. مفاهیم اصول پایه‌ای همسو با هدف پژوهش هستند و مضامین نیز مشخصه-های کلی هستند که معنایِ محوری مفاهیم، تشابهات و تفاوت-ها را بازنمایی می‌کند (۳۲). ابتدا متن تمامی مصاحبه‌های ضبط‌شده چندین بار گوش داده شد و سپس بر روی برگه‌ها پیاده گردید. پس از پیاده‌کردن متن مصاحبه‌ها بر روی برگه، پژوهشگر چندین بار مطالب نوشته‌شده را مرور کرد و بدین-شکل بینش و شناختی جامع و کلی از آن به دست آورد. در ادامه برای هریک از مصاحبه‌های مورد بررسی و مرورشده خلاصه تفسیری و متوالی نوشته شد و تلاش جهت استخراج معانی پنهان آن‌ها به عمل آمد. در طی این فرایند پژوهشگران جهت ثبت و تحلیل بیانات پیاده شده و استخراج مفاهیم با یکدیگر تبادل‌نظر و مشارکت کردند.

مرور متداوم خلاصه‌های تفسیری نوشته‌شده و شناسایی عباراتِ همسو با هدف پژوهش، شرایط را برای شناسایی کدهای اولیه فراهم کرد. پس از استخراج کدهای اولیه پژوهشگر فرایند تشابه‌یابی، مقایسه و ادغام را اجرایی نمود و کدهای مشابه را با یکدیگر ترکیب کرد و طبقات فرعی را ایجاد نمود. با تداوم مصاحبه‌ها، زیرمضامین و مضامین شناسایی‌شده روشن‌تر می‌شد و تکامل می‌یافت و گاه مضامین نو و بدیع دیگری شکل می‌گرفت. جهت روشن‌سازی و از بین بردن

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.18502/jmed.v15i4.5904]

اختلافات و کاستی‌هایِ موجود در تفسیر، پژوهشگر دوباره به بررسی متون می‌پرداخت و در طی هر بررسی تحلیل‌های انجام‌شده را کلیتِ بیش‌تری می‌بخشید و بدین‌شکل دست‌یابی به مضامین اصلی و نهایی را ممکن می‌ساخت. همچنین برای بررسی پیوندِ بین مضامین و منسجم کردن آن‌ها از فرایندِ تفکر قیاسی و استقرایی و بررسی مداوم مفاهیم استفاده شد و مفاهیم موجود بر مبنای اصولِ نظری حاکم در قالب مضامین اصلی و فرعی نامگذاری و طبقه‌بندی شدند.

جهتِ ایجاد و حفظ صحت و اعتبار یافته‌های حاصل از پژوهش از چهار شاخص اعتبارِ Guba & Lincoln (۳۶) استفاده شد. برای تامین و حفظِ اعتبار و صحت داده‌های جمع-آوری شده، پژوهشگر تلاش کرد که نگرش‌های کارکردی و بیان‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان را اولویت فرایند تجزیه و تحلیل قرار دهد و برداشت‌های تفسیری خود را در کنار این اولویت و جهت تکمیل اطلاعات دریافتی مورد استفاده قرار دهد. درواقع پژوهشگر هنگام تحلیل داده‌ها سعی می‌کرد که برداشت‌های شخصی خود را در صفحه‌ای جداگانه درج‌کرده و صرفا برای تکمیل یافته‌های مورد تایید مصاحبه‌شوندگان از آن استفاده کرد. جهت تضمین قابلیت تصدیق، پژوهشگر تلاش کرد که پیش‌فرض‌های خود را تا حد امکان در فرایند جمع-آوری داده‌ها دخالت ندهد. جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت، از راهنمایی و نظارت همکاران و اساتید متخصص استفاده شد و متن مصاحبه جهت بررسی فرایند تحلیل و مضمون‌بندی‌ها در اختیار آن‌ها قرار داده شد. جهت افزایش سطح تاییدپذیری اطلاعات، پژوهشگر تمامی مضامین شناسایی‌شده را با مصاحبه‌شوندگان در میان گذاشت و نظر آن‌ها را در مورد صحت و درستی این نتایج جویا شد و از طریق اعمال نظرات آن‌ها ضمن اعمال حذف و اضافاتی در مضامین شناسایی‌شده از اعتبار و صحتِ یافته‌های خویش مطمئن گردید.

نتایج

مشارکت‌کنندگان در پژوهش ۱۶ نفر بودند که میانگینِ سنی آن‌ها ۲۴/۳ سال بود. ۱۱ نفر از مشارکت‌کنندگان مجرد و پنج نفر از آن‌ها متاهل بودند. شش نفر از مشارکت‌کنندگان از دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پنج نفر از دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، سه نفر از دانشکده علوم ارتباطات و دو نفر از دانشکده مدیریت و حسابداری بودند. ۱۲ نفر از آن‌ها یک‌ترم و چهار نفر دو ترم سابقه مشروطی داشتند. هفت نفر از مشارکت-کنندگان صرفا دانشجو بوده و جایی شاغل نبودند، چهار نفر از آن‌ها دارای شغل موقت بودند و پنج‌نفر از آن‌ها استخدام دائمی مراکز دولتی بودند. تحلیلِ تجاربِ شرکت‌کنندگان پژوهش منجر به شناسایی ۲۶ زیرمضمون (طبقاتِ فرعی) و شش مضمون اصلی (طبقه اصلی) در زمینه‌ی آسیب‌های روانشناختی متاثر از پدیده مشروطی در دانشجویان شد، که در جدول یک ارایه شده است.

جدول (۱): مضامین اصلی و فرعی مطرح شده در رابطه با آسیب‌ها و بدکارکردی‌های روانشناختی مشروط‌شدن دانشجویان

زیرمضمون	مضمون
افسردگی، اضطراب، استرس، هراس اجتماعی، وسواس، خودآزارگری رفتاری _ فکری.	آشفتگی و ناراحتی‌های روانشناختی.
احساس گناه مفرط، احساس تقصیر مفرط، احساس تنهایی، احساس غم و طرد.	هیجانات ادراکی ناخوشایند.
درماندگی آموخته‌شده، بی‌انگیزشی، بی‌علاقگی تحصیلی، مختل‌شدن توان تجزیه و تحلیل.	خلل‌های ذهنی _ شناختی.
شکست عشقی، مرگ عزیزان، مرگ دوستان.	سوگ حل‌نشده.
احساس بی‌ارزشی، احساس حقارت عمیق، عدم‌پذیرش خویشتن و بی‌اطمینانی و عدم‌اعتماد نسبت به خود.	عزت‌نفس پایین.
ناتوانی در ایجاد رابطه با اساتید، دوستان و جنس مخالف، رابطه مختلِ خانوادگی.	شکست‌ها و ناخوشایندی‌های ارتباطی.

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.18502/jmed.v15i4.5904]

آشفتگی‌ها و ناراحتی‌های روانشناختی

مشروط‌شدن دانشجویان دانشگاهی جدای از این واقعیت که از لحاظ زمانی آن‌ها را به عقب بازمی‌گرداند با تنش‌ها و ناراحتی‌های روانشناختی زیادی توام می‌باشد که سلامت و امنیت این گروه را نیز در معرض تزلزل قرار می‌دهد. ناراحتی-هایی که تعادل کارکردی این گروه را با اختلال مواجه کرده و کارآیی تحصیلی آن‌ها را نیز پایین می‌آورد. دانشجویان مشروطی که در این پژوهش مورد مصاحبه قرار گرفتند تاکید داشتند که استرس زیادی دارند، همواره نگران و مضطرب هستند، دچار وساس شده‌اند و غم و ناراحتی زیادی آن‌ها را آزار می‌دهد. آشفتگی‌ها و ناراحتی‌های روان‌شناختی به‌عنوان اولین مضمون توام با شش زیرمضمون آن در جریان تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه شناسایی گردید.

افسردگی: "خیلی مواقع حس می‌کنم که عملا هیچ لذتی از زندگی نمی‌برم و یک زندگی کاملا تکراری و یکنواخت دارم که خیلی کسل‌کننده هست" (شرکت‌کننده شماره ۶).

اضطراب: "مگه میشه شما اضطراب بالایی را تحمل کنی و بتونی به درستی مطالعه کنی؟ من در دوران ارشد چنین شرایطی را داشتم و از همون ترم یک نگران پایان‌نامه بودم چیزی که اصلا بهش نرسیدم" (شرکت‌کننده شماره ۱۴).

استرس: "همیشه استرس داشتم. الان که مشروط شدم استرسم چند برابر شده که واقعا اوضاع روحیم رو به هم ریخته" (شرکت‌کننده شماره ۵).

هراس اجتماعی: "دچار ترس و تشویش شدم از دیگران. نه حوصلش رو دارم و نه جراتش رو دارم که ارتباط بگیرم. روحیم خیلی ضعیف شده" (شرکت‌کننده شماره ۱۱).

وسواس فکری _ رفتاری: "همیشه افکار تکراری در مورد وضعیت درسیم مخصوصا مشروطیم به سراغم میاد که اصلا دست خودم نیست. اونقد بهم فشار میاره که آخرش خودم رو به کاری مشغول می‌کنم" (شرکت‌کننده شماره ۱۴).

خودآزارگری رفتاری _ فکری:"اونقدر ناخن‌هام رو جویدم و موهام رو کشیدم که خودم از خودم بدم میاد. خیلی خودم رو اذیت می‌کنم که هیچ نتیجه‌ای نداره. البته حقمه" (شرکت‌کننده شماره ۹).

هیجانات ادراکی ناخوشایند

مشروطی با هیجانات ناخوشایندی نیز همراه می‌باشد. هیچ فردی دوست ندارد که پس از انجام یک فعل با شکست مواجه شود و از همراهان خویش باز بماند. دانشجویان پس از شکست تحصیلی دچار احساس گناه شده و از اینکه نتوانستند تلاش مطلوبی از خود نشان دهند پشیمان هستند. این افراد همواره خود را بخاطر این شکست مقصر می‌دانند و احساس می‌کنند که کسی آن‌ها را حمایت نمی‌کند. احساس طردشدگی و رهاشدن در موقع مشروطی به‌ویژه در روزهای آغازین و زمانی که برای تلاش دوباره به اطرافیان و دوستان نیاز هست، از تجارب تلخی است که این گروه با خویشتن ادراک می‌کنند. هیجانات ادراکی ناخوشایند به‌عنوان دومین مضمون توام با پنج زیرمضمون آن در جریان تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه شناسایی گردید.

احساس گناه مفرط: "همیشه دچار عذاب وجدان هستم. این‌همه هزینه کردم آخرش مشروط شدم. از خانواده و شهرمون دور شدم ولی... خیلی احساس گناه می‌کنم" (شرکت‌کننده شماره ۱).

احساس تقصیر مفرط: "مقصر اصلی خودمم. مقصر همه-چیز. شکست‌ها و مشکلاتم. هیچ‌کس هیچ تقصیری نداره همش از ناتوانی و ضعف خودمه" (شرکت‌کننده شماره ۱۰).

احساس تنهایی: "خیلی تنهام. اکثر اوقات توی اتاقم هستم. فک نکنم کسی وضعیتش مثل من باشه. دوست ندارم با کسی ارتباط بگیرم کسل‌کنندس برام" (شرکت‌کننده شماره ۸).

احساس غم: "ی احساس خیلی بدی که دارم و بعد از مشروطی تشدید شد احساس غمگینیه. گاهی بدون دلیل ناراحت میشم و ساعت‌ها به فکر میرم" (شرکت‌کننده شماره ۶).

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.18502/jmed.v15i4.5904]

احساس طردشدگی: "این رو خیلی خوب درک میکنم که دیگران وضعیتم رو نمی‌فهمن و توی این شرایط تنهام گذاشتن. راستش رو بخوای چنین انتظاری نداشتم" (شرکت‌کننده شماره ۳).

خلل‌های ذهنی _ شناختی

برخی از دانشجویان مشروطی به‌شدت دچار درماندگی بودند و عقیده داشتند که برای درس خواندن ساخته نشده‌اند. این گروه تاکید داشتند که تلاششان بی‌نتیجه است و تاکنون هرباری که تلاش کرده‌اند موفقیت درسی مطلوبی به دست بیاورند به نتیجه‌ای که می‌بایست نرسیده‌اند. شکست‌های پیوسته این گروه سبب شده بود که انگیزه‌ای برای درس خواندن نداشته باشند و صرف وقت برای درس‌خواندن را نوعی تلاش پوچ بدانند. چنین نگرشی آن‌ها را نسبت به ادامه تحصیل کاملا بی‌علاقه کرده بود و حتی برخی از آن‌ها بدلیل مشغولیت ذهنی زیاد به شکستی که داشتند و همچنین مواجهه با فشارهای جانبی قادر نبودند موقعیت موردنظر را عقلانی و واقع‌بینانه تحلیل کرده و بدرستی با آن برخورد کنند. خلل‌های ذهنی _ شناختی به‌عنوان سومین مضمون توام با چهار زیرمضمون آن در جریان تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه شناسایی گردید.

درماندگی آموخته‌شده: "چند جلسه ترم یک که رفتم سر کلاس و هیچی متوجه نشدم به این نتیجه رسیدم که من نمی‌توانم دیگه موفق شوم در این رشته واسه همین دست از تلاش برداشتم" (شرکت‌کننده شماره ۴).

بی‌انگیزشی تحصیلی: "انگیزه‌ای برای مطالعه ندارم و خیلی به سختی طرف کتاب می‌رم. مطالعه برای من سخت‌ترین کار دنیا است" (شرکت‌کننده شماره ۱۶).

بی‌علاقگی تحصیلی: "خیلی به درس و دانشگاه بی‌علاقه شدم. کمی جلوتر برم میتونم بگم حتی متنفر شدم" (شرکت-کننده شماره ۲).

مختل‌شدن توان تجزیه و تحلیل: "اونقد ذهنم درگیره مسائل مختلف درسی و اینا شده که قدرت تحلیلم خیلی ضعیف شده. گاهی فکر میکنم خنگ شدم یا ی بیماری گرفتم" (شرکت‌کننده شماره ۱۲).

سوگ حل‌نشده

این گروه از افراد به‌مانند سایر افراد مشکلات جانبی خاص خود را داشتند. گروهی از دانشجویان یا قبلا از ورود به دانشگاه یا در همان سال‌های ورود به دانشگاه عاشق شده و در رسیدن به عشق زودرس خود دچار شکست شده بودند. شکست عشقی برای این گروه چندان قابل تحمل نبوده و بدلیل ناتوانی در کنارآمدن با آن در رسیدگی به تکالیف تحصیلی خود نیز دچار شکست شده بودند. از دست دادن یکی از عزیزان یا دوستان از دیگر تجارب تلخی بود که این گروه از افراد بدان اشاره داشتند. تجاربی که نه‌تنها امنیت و سلامت روان‌شناختی‌شان را دچار مشکل کرده بود، بلکه کارآیی تحصیلی‌شان را نیز با تزلزل مواجه نموده بود. سوگ حل‌نشده به‌عنوان چهارمین مضمون توام با سه زیرمضمون آن در جریان تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه شناسایی گردید.

شکست عشقی: "در دوران ارشد رفتم خواستگاری فرد مورد علاقم ولی خانوادش قبول نکردن و اونم رفت با یکی دیگه ازدواج کرد" (شرکت‌کننده شماره ۵).

مرگ عزیزان (اعضای خانواده): "در دوران ارشد مادرم بیمار بود و آخرش هم با وجود همه تلاش‌هایی که کردم فوت کرد و من واقعا اذیت شدم و هنوز هم نمی‌تونم در موردش راحت صحبت کنم" (شرکت‌کننده شماره ۱۵).

مرگ دوستان: "ی تجربه ناخوشایند من که خیلی اذیتم میکنه اینه که چند ماه پیش دوستم یعنی نزدیک‌ترین دوستم فوت کردن..." (شرکت‌کننده شماره ۱۱).

عزت‌نفس پایین

برخی از افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفتند قبل از مواجهه با شکست تحصیلی و برخی از آن‌ها نیز بدلیل ناتوانی در رسیدگی به تکالیف تحصیلی، اعتماد به نفسشان تا حد زیادی کاهش پیدا کرده بود و بر این عقیده بودند که شایستگی تحصیل را ندارند. این گروه احساس بی‌ارزشی می‌کردند و

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-11-20]
[DOI: 10.18502/jmed.v15i4.5904]

معتقد بودند که نه‌تنها توانایی تحصیل را ندارند، بلکه توانایی انجام هیچ کار دیگری را نیز ندارند. چنین دیدگاهی پذیرش این افراد را نسبت به خود تا حد زیادی کاهش داده بود و اطمینانشان را نسبت به خودشان پایین آورده بود. عزت‌نفس پایین به‌عنوان پنجمین مضمون اصلی توام با چهار زیرمضمون آن در جریان تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه شناسایی گردید.

احساس بی‌ارزشی: "ی حس بی‌ارزشی کل وجودم رو گرفته که واقعا آزاردهندس. بعد از مشروطی چند برابر هم شده" (شرکت‌کننده شماره ۱۴).

احساس حقارت عمیق: "گاهی واقعا احساس حقارت می‌کنم. احساس می‌کنم عرضه هیچ کاری رو ندارم" (شرکت‌کننده شماره ۲).

عدم‌پذیرش خویشتن: "خیلی خودم رو قبول ندارم. عرضه ی درس پاس کردن هم نداشتیم. خیلی از درس‌ها رو افتادم اونم با چه نمراتی!!!" (شرکت‌کننده شماره ۱۱).

بی‌اطمینانی و عدم‌اعتماد به خود: "فک نکنم بتونم واحدها رو پاس کنم. کارکردم خیلی اومده پایین" (شرکت‌کننده شماره ۱).

شکست‌ها و ناخوشایندی‌های ارتباطی

روابط دانشجویان مشروطی در ابعاد مختلف تنش‌ها و مشکلات خاص خود را به همراه داشت. این گروه از افراد قادر به برقراری ارتباط سازنده با اساتید نبودند و در قیاس با سایر دانشجویان کیفیت رابطه‌شان در سطح بسیار پایین‌تری قرار داشت. ارتباط سازنده با اساتید یکی از راه‌های یادگیری بهتر و عملکرد مطلوب‌تر در حوزه تحصیلی است. با این‌حال این گروه از دانشجویان به‌دلایل مختلف قادر به برقراری چنین ارتباطی نبودند و در این زمینه عملکرد سازنده‌ای نداشتند. همچنین برخی دیگر از دانشجویان در برقراری ارتباط با اطرافیان به‌ویژه جنس مخالف نیز کارکرد مطلوبی نداشتند و از مزایای این روابط سازنده محروم بودند. این عوامل نیز به‌نوبه خود در تخریب تعادل کارکردی این گروه و همچنین خلل در کارآیی تحصیلی آن‌ها نقش موثری داشت. شکست‌ها و ناخوشایندی‌های ارتباطی به‌عنوان آخرین مضمون شناسایی‌شده در این پژوهش توام با چهار زیر مضمون آن در جریان تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه شناسایی گردید.

ناتوانی در ایجاد رابطه با اساتید: " به شخصه در محیط بیرونی انگار آدم کم‌رویی هستم و نمی‌توانم خوب صحبت کنم و دقیقا سر کلاس هم خیلی از وقت‌ها جواب سوال اساتید را بلد بودم ولی نمی‌توانستم به درستی ارتباط برقرار کنم و به سوال استاد پاسخ نمی‌دادم" (شرکت‌کننده شماره ۱۰).

ناتوانی در ایجاد رابطه با دوستان: "کلا در طول زندگیم در برقراری ارتباط موثر با دوستانم مشکل داشتم و سر همین موضوعه که بسیاری از رفیق‌هام رو از دست دادم" (شرکت‌کننده شماره ۴).

شکست در ایجاد رابطه با جنس مخالف: "خیلی خواستم با همکلاسی‌های دخترم ارتباط بگیرم ولی یا روم نشد برم جلو یا خیلی محدود بود. اکثر تلاش‌هام هم به شکست منجر شد" (شرکت‌کننده شماره ۱۶).

رابطه مختل خانوادگی: "رابطه مطلوب و خوبی توی خونوادم بین من و بقیه وجود نداره. خیلی از لحاظ ارتباطی خانوادم سالم نیست" (شرکت‌کننده شماره ۶).

بحث

پژوهشِ کیفی حاضر با رویکرد پدیدارشناختی به بررسی آسیب‌ها و بدکارکردی‌های روانشناختی دانشجویان مشروطی پرداخت. تحلیل و کدگذاری یافته‌ها منجر به شناسایی شش مضمونِ اصلی تحتِ عنوانِ ((آشفتگی و ناراحتی‌های روانشناختی، هیجانات ادراکی ناخوشایند، خلل‌های ذهنی _ شناختی، سوگ حل‌نشده، عزت‌نفس پایین، شکست‌ها و ناخوشایندی‌های ارتباطی)) شد.

یکی از اصلی‌ترین بدکارکردی‌های روانشناختی دانشجویان مشروطی آشفتگی و اختلالات روانشناختی بود که امنیت عملکردی این گروه را در ارتباط با تکالیف مختلف زندگی با

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.18502/jmed.v15i4.5904]

اختلال مواجه می‌کند. بنابر تبیین داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه‌شوندگان، برخی از دانشجویان مشارکت‌کننده در این پژوهش تصریح کردند که افسرده هستند و علایق خود را نسبت به فعالیت‌های مختلف به طور کامل از دست داده‌اند، استرس زیادی دارند و نمی‌توانند برای فعالیت‌های تحصیلی و جبران شکست‌های آن برنامه‌ریزی کنند، خواسته یا ناخواسته در موقعیت‌های مختلف با اضطراب و تنش درونی همراه هستند و نهایتا به رفتارهای آزاردهنده نظیر جویدن ناخن و وررفتن با موهای سر خود گرفتار شده‌اند که فرصت داشتن کارکرد مطلوب را تا حد زیادی از آن‌ها سلب کرده است. دانشجویان مشروطی متاثر از شرایط دشواری که با آن مواجه هستند بیش‌تر احتمال دارد گرفتار اختلالات روانشناختی نظیر افسردگی، اضطراب، ترس‌ها و استرس‌های خاص شوند (۲۶). اختلالاتی که ضمن مختل‌کردن امنیت روانشناختی این گروه تمایلشان را به تداوم فرایند زندگی به‌ویژه در حوزه تحصیلی با مشکل مواجه می‌کند و زمینه‌ساز بروز مشکلات کارکردی برای آن‌ها می‌گردد. داشتن عملکرد تحصیلی مطلوب مستلزم برخورداری از سلامت و امنیت روانشناختی است و یادگیرندگانی که با اختلالات روانشناختی نظیر افسردگی، استرس یا اضطراب مواجه هستند نمی‌توانند آنگونه که باید به تکالیف درسی خود رسیدگی کنند (۲۵). درواقع این افراد تصریح کردند یادگیرندگانی که به اختلالات روانشناختی دچار هستند علاوه بر اینکه بیش‌تر ممکن است دچار بدکارکردی‌ها و مشکلات تحصیلی شوند کم‌تر قادر هستند شکست‌ها و مشکلات تحصیلی خود را جبران کنند. در تبیین این یافته می‌توان گفت داشتن عملکرد تحصیلی مطلوب به سلامت و امنیت روانشناختی نیاز دارد و دانشجویانی که با اختلالات روانشناختی مواجه هستند فرصتی برای رسیدگی به تکالیف درسی و تحصیلی ندارند. این گروه از افراد متاثر از شرایط دشوار و وضعیت تحصیلی نامساعدی که دارند به بدکارکردی‌های روانشناختی نظیر استرس، اضطراب و افسردگی دچار شده‌اند. بدکارکردی‌هایی که از طریق مختل‌کردن امنیت و آرامش روانشناختی این گروه، توانایی و انرژی آن‌ها را برای انجام فعالیت‌های مختلف تا حد زیادی سلب کرده و مانع از آن شده است که این افراد بتوانند شکست‌های خود را در حوزه‌های مختلف مخصوصا حوزه تحصیلی جبران کنند. این گروه از دانشجویان بیش‌تر اوقات خود را درگیر تنش‌های روانشناختی و نشانه‌های نابهنجار هستند که این امر از طریق مشغول‌کردن این افراد به خود در بیش‌تر اوقات، فرصتی برای مطالعه دروس مختلف و رسیدگی به تکالیف درسی باقی نمی‌گذارد. البته حتی اگر این گروه از دانشجویان زمان کافی برای مطالعه داشته باشند، احساسات و هیجانات تنش‌زا مانع از داشتن مطالعه‌ای مطلوب خواهد شد. درواقع ابتلا به اختلالات روانشناختی چون افسردگی، تمایل و انرژی برای فرد باقی نمی‌گذارد که بتواند به تکالیف درسی خود رسیدگی کند و داشتن چنین انتظاری از وی چندان معقول نیست.

هیجانات ادراکی ناخوشایند از دیگر مشکلات و آسیب‌های روانشناختی دانشجویان مشروطی بود که از طریق ایجاد آشفتگی عاطفی _ شناختی تمایل این افراد را به تداوم تحصیل با خلل مواجه می‌کند. بنابر تبیین داده‌های جمع‌آوری‌شده از مصاحبه‌شوندگان، برخی از دانشجویانِ مشارکت‌کننده در پژوهش تصریح کردند که همواره به خاطر مشکلات و شکست‌های تحصیلی احساس گناه می‌کنند، خود را مقصر اصلی شکست‌های تحصیلی می‌دانند و همواره خود را سرزنش می‌کنند، سطح عمیقی از احساس غم و ناراحتی را تجربه کرده و ادراک می‌کنند، تنها هستند و همه اطرافیان نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت هستند. در ارتباط با این یافته با وجود جست‌وجوی فراوان پژوهش همخوان یا ناهمخوان خاصی یافت نشد و این یافته برای اولین بار در این پژوهش شناسایی شده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت دانشجویان برای اینکه بتوانند به وظایف و تکالیف درسی خود رسیدگی کنند و مشکلات و موانع موجود در این زمینه را کنار زده و رفع بکنند می‌بایست آرامش درون‌فردی داشته باشند و از هرگونه عامل تنش‌زا به دور باشند. زمانی که دانشجویان سطح عمیقی از تنش‌های هیجانی نظیر

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.18502/jmed.v15i4.5904]

احساس گناه، تقصیر و غمگینی را تجربه می‌کنند دیگر توان و تمایل چندانی برای رسیدگی به وظایفِ کارکردی و رشدی خود در ابعاد مختلف زندگی مخصوصا بُعد تحصیلی را ندارند. دانشجویانی که مشروط شده‌اند برای جبران باید خود را از هیجانات ناخوشایند دور کرده و برهانند. درصورتی که با هیجانات ناخوشایند نظیر غم، گناه و تقصیر توام باشند بیش‌تر اوقاتشان صرف درگیرشدن در این هیجانات می‌شود و نمی‌توانند با خیالی راحت انرژی و توان خود را برای رسیدگی به وظایف تحصیلی و جبران شکست‌های موجود در این حوزه به‌کارگرفته و بسیج کنند.

از دیگر بدکارکردی‌های روانشناختی دانشجویان مشروطی خلل‌های ذهنی _ شناختی بود که شکل‌گیری، تشدید و تداوم آن کارکرد این گروه از افراد را در تمامی ابعاد زندگی با خلل مواجه می‌کند. بنابر تبیین داده‌های جمع‌آوری‌شده از مصاحبه‌شوندگان، این گروه از دانشجویان انگیزه تحصیلی چندانی ندارند و تمایلشان به ادامه تحصیل و انجام تکالیف مربوط به آن در سطح پایینی قرار دارد، نسبت به امور تحصیلی کاملا بی‌علاقه شده و از روی اجبار و یا ناچاری آن را ادامه می‌دهند، توانشان برای تجزیه و تحلیل امور متاثر از مشکلاتی که با ان مواجه هستند تا حد زیادی کاهش یافته است و خود را در جبران شکست‌ها و رسیدگی مطلوب به تکالیف و وظایف درسی کاملا ناتوان تلقی می‌کنند. استوار و عابدی (۶) در پژوهش خویش گزارش کردند هرچه سطح انگیزه و خودکارآمدی تحصیلی پایین‌تر باشد دانشجویان در رسیدگی به تکالیف درسی عملکردشان ضعیف‌تر خواهد بود. درواقع آن‌ها در پژوهش خویش بر این واقعیت تصریح کردند که دانشجویان مشروطی در قیاس با سایر دانشجویان متاثر از پایین‌بودن سطح انگیزه و اطمینانشان به توانمندی‌های تحصیلی خود عملکرد تحصیلی ضعیف‌تری دارند و بیش‌تر با شکست‌های تحصیلی مواجه می‌شوند. در تبیین این یافته می‌توان گفت داشتن عملکرد مطلوب تحصیلی مستلزم برخورداری از توانایی‌ها و قابلیت‌های ذهنی و شناختی جهت تحلیل و رسیدگی به تکالیف و وظایف درسی است و دانشجویانی که در این زمینه با خلل مواجه هستند نخواهند توانست در قالبی شایسته به تکالیف خود در این زمینه رسیدگی کرده و بیش‌تر با مشکلاتی نظیر افت و شکست مواجه می‌شوند. دانشجویان برای اینکه بتوانند در قالبی شایسته به تکالیف و وظایف درسی خود رسیدگی کنند بایستی از انگیزه و علاقه شناختی زیادی نسبت به تحصیل و ابعاد آن برخوردار باشند. فقدان وجود علاقه و انگیزه، انرژی و توانی در فرد جهت گام برداشتن در مسیر برنامه‌های تحصیلی باقی نمی‌گذارد و بدین‌شکل احتمال بروز مشکلات تحصیلی را در وی افزایش می‌دهد. بُعد دیگر توانمندی‌های ذهنی و شناختی که وجود ان لازمه داشتن عملکرد مطلوب در زمینه تحصیلی است اطمینان نسبت به خویشتن و عدم‌ابتلا به درماندگی آموخته‌شده است. دانشجویانی که آمیخته با درماندگی آموخته‌شده هستند خود را در رسیدگی به تکالیف درسی و جبران شکست‌های تحصیلی ناتوان تلقی می‌کنند و عقیده دارند که تلاششان هیچ نتیجه‌ای به دنبال نخواهد داشت.

سوگ حل‌نشده از دیگر مشکلات و آسیب‌های روانشناختی دانشجویان مشروطی بود که از طریق تحلیل و تضعیف توان کارکردی این گروه، توانایی‌شان را برای رسیدگی به وظایف و تکالیف مختلف زندگی با مشکل مواجه می‌کند. بنابر تبیین داده‌های جمع‌آوری‌شده از مصاحبه‌شوندگان، برخی از دانشجویان شرکت‌کننده در پژوهش با مرگ یکی از اعضای خانواده خود مواجه شده بودند، یکی از دوستان و یا نزدیکاه اجتماعی خود را که تا حدی به او وابستگی داشتند از دست داده بودند و نهایتا اینکه در برقراری و تداوم روابط عاطفی و عشاقانه خود با شکست مواجه شده بودند. مجموعه عواملی که تمایل آن‌ها برای رسیدگی به تکالیف و فعالیت‌های درسی تا حد زیادی کاهش داده و زمینه را برای مشروط‌شدن آن‌ها فراهم کرده بود. یکی از مشکلاتی که می‌تواند عملکرد تحصیلی را با اختلال مواجه کند تجربه سوگ در حین تحصیل می‌باشد، تجربه‌ای که با کاهش تمایل و رغبت فرد به انجام تکالیف

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.18502/jmed.v15i4.5904]

درسی و رسیدگی به آن داشتن عملکرد مطلوب در این حوزه را تا حد زیادی دشوار و حتی ناممکن می‌سازد (۱۲). در تبیین این یافته می‌توان گفت شکست عاطفی و مرگ یکی از اعضای خانواده یا دوستان نزدیک، ازجمله عواملی است که از بین رفتن تاثیرات مخرب و ناخوشایند آن به گذر زمان، حمایت اجتماعی و در مواقعی فرایند مشاوره نیاز دارد. دانشجویانی که با مسئله سوگ مواجه شده بودند آنطور که باید با این مسئله برخورد نکرده بودند و نتوانستند به آن رسیدگی کنند. این گروه از افراد دچار سوگ تاخیری شده بودند و نشانه‌های سوگ را در خویشتن سرکوب کرده که همین امر منجر به تداوم این پدیده و تاثیر مخرب آن بر عملکرد تحصیلی‌شان شده بود. این افراد همواره درگیر اندیشیدن پیرامون فرد از دست رفته بودند و سطح عمیقی از غم، احساس گناه و خودتقصیرانگاری را تجربه می‌کردند. سوگ این گروه از افراد هنوز حل نشده است و این حل‌نشدن منجر به کاهش توانایی‌شان برای رسیدگی به تکالیف و وظایف درسی شده است. این افراد می‌بایست مورد شناسایی قرار گیرند و با ارائه حمایت‌های عاطفی و مشاوره‌ای به آن‌ها جهت عبور از این مانع که اکنون به یک منجلاب تبدیل شده به آن‌ها کمک شود.

یکی دیگر از بدکارکردی‌های روانشناختی دانشجویان مشروطی عزت‌نفس پایین بود که شکل‌گیری، تشدید و تداوم آن کارکرد این گروه از افراد را در تمامی ابعاد زندگی با خلل مواجه می‌کند. بنابر تبیین داده‌های جمع‌آوری‌شده از مصاحبه-شوندگان، این گروه از دانشجویان تا حدی احساس بی‌ارزشی داشتند، خود را حقیر و کم‌تر از آنچه که می‌بایست تصور و تعریف می‌کردند، اطمینانی به خود و توانمندی‌های کارکردی خود در طول زندگی نداشتند، موفقیت‌های خود را ناچیز و بی-ارزش قلمداد می‌کردند و هیچ پذیرشی نسبت به خود نداشتند. دانشجویان مشروطی در قیاس با سایر دانشجویان از عزت‌نفس پایین‌تری برخوردار هستند و به دلیل احساس بی‌ارزشی و حقارتی که در خویشتن درونی کرده‌اند نمی‌توانند آنگونه که باید به وظایف و تکالیف درسی رسیدگی کنند (۱۴). در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد برای اینکه این توانایی را داشته باشند که در ابعاد مختلف زندگی کارکرد مطلوب و موفقی داشته باشند می‌بایست نسبت به خویشتن اطمینان کافی داشته باشند و خود و توانمندی‌های خود را قلبا مورد پذیرش قرار بدهند. دانشجویانی که خود را چندان قبول ندارند، تعریفشان از خود ماهیتی منفی و مخرب دارد و خودپنداره‌شان به دور از واقعیت است معمولا کارکردشان در قبال تکالیف و وظایف مختلف زندگی مخصوصا وظیفه تحصیلی در سطح پایینی قرار دارد. این گروه از افراد اطمینانی به توانایی‌های خود برا رسیدگی به تکالیف درسی ندارند و نمی‌توانند آنگونه که باید در فعالیت‌های مختلف تحصیلی درگیر شده و مشارکت کنند. برخی از دانشجویان علاوه بر اینکه خودکارآمدی پایینی دارند و خودپنداره‌شان نسبت به خود منفی است، سطح عمیقی از احساس بی‌ارزشی و حقارت را نیز تجربه می‌کنند. احساساتی که توانایی این افراد را در انجام تکالیف درسی تا حد زیادی مختل کرده و تمایلشان را به تداوم تحصیل با مشکل مواجه می‌کند. رسیدگی به هر کاری و انجام هر برنامه‌ای در زندگی مستلزم این است که فرد نسبت به خود و توانمندی‌های خویش اطمینان کافی داشته باشد و سطحی از عزت‌نفس درونی را در خود پرورش داده باشد. لذا بدیهی است دانشجویانی که به خویشتن اطمینان ندارند و حدی از عزت‌نفس و ارزشمندی را تجربه نمی‌کنند در قیاس با سایر دانشجویان عملکرد درسی ضعیف‌تری داشته باشند و نتوانند آنگونه که باید به وظایف و تکالیف خود در این زمینه رسیدگی کنند و بیش‌تر با افت و شکست تحصیلی مواجه گردند.

شکست‌ها و ناخوشایندی‌های ارتباطی آخرین آسیب روانشناختی دانشجویان مشروطی بود که در جریان تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان مورد شناسایی قرار گرفت. بنابر تبیین داده‌های جمع‌آوری‌شده از مصاحبه‌شوندگان، این گروه از دانشجویان از لحاظ ارتباطی فاقد مهارت و توانایی‌های کافی هستند، از آگاهی ارتباطی و اجتماعی چندانی برخوردار نیستند، قادر به شکل‌دهی و آغاز ارتباط نیستند، نمی‌توانند

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.18502/jmed.v15i4.5904]

روابط را ادامه داده و بدان کیفیت ببخشند، در ارتباط‌گیری با اطرافیان نظیر اساتید، دوستان و همسالان شکست می‌خورند، کارآیی چندانی برای ارتباط با جنس مخالف ندارند و از ارتباط با آن‌ها ترسیده و یا احساس خجالت می‌کنند و نهایتا اینکه خانواده‌شان از روابط و تعاملاتِ مطلوبی برخوردار نیست. ارتباط یکی از لازمه‌های داشتن عملکرد تحصیلی مطلوب می‌باشد و یادگیرندگانی که قادر به برقراری روابط مطلوب در سطح مدرسه و محیط اجتماعی نیستند معمولا نمی‌توانند آنگونه که باید به وظایف درسی خود رسیدگی کرده و بیش‌تر احتمال دارد دچار مشکلات تحصیلی و شکست‌های کارکردی شوند (۳۷). دانشجویان ناموفق از لحاظ تحصیلی معمولا در ارتباط با دیگران مخصوصا اعضای خانواده خود با مشکل مواجه هستند که این امر به‌مرور زمینه را برای تشدید مشکلات تحصیلی در آن‌ها فراهم کرده و آن‌ها را با مانع کارکردی مواجه می‌کند (۱۲). در تبیین این یافته می‌توان گفت دانشجویان به‌مانند سایر افراد دارای نیازهای ارتباطی نظیر نیاز به تعلق، پیوستگی و عشق هستند که ارضای آن‌ها جهت داشتن انگیزه و تمایل کافی برای رسیدگی به وظایف خود در طی زندگی ضرورتی تام دارد. دانشجویانی که که متاثر از عوامل مختلف قادر به ایجاد روابط بین‌فردی نیستند بدیهی است که ارضای این نیازهایشان با خلل مواجه شود و بدین‌شکل سطح عمیقی از تنش درون-فردی را تجربه کنند. تنشی که قطعا موجب کاهش توانایی آن-ها برای انجام تکالیف خود در حوزه‌های مختلف مخصوصا حوزه تحصیلی می‌گردد و آن‌ها را در معرض افت و شکست تحصیلی قرار می‌دهد. از سوی دیگر تحصیل و یادگیری فرایندی دوسویه بین دانشجو و اساتید است و داشتن پیوند مطلوب و کاری بین این دو قطب جهت داشتن عملکرد تحصیلی مطلوب و موفق ضرورتی تام دارد. با این‌حال بسیاری از دانشجویان قادر به ایجاد چنین ارتباطی نیستند که همین امر به‌مرور مشکلات تحصیلی را برای دانشجویان ایجاد کرده و آن‌ها را در معرض مشکلات تحصیلی و شکست‌های کارکردی قرار می‌دهد.

نتیجه گیری

این یافته‌ها از یکسو با آشکار ساختن آسیب‌های روانشناختی توام با پدیده مشروطی، لزوم توجه پژوهشی و مداخله‌ای بیش‌تر به دانشجویان مشروطی را آشکار می‌سازد و از سوی دیگر با شناسایی جامع پیامدهای روانشناختی مشروط‌شدن، تا حدی اطلاعات و زمینه‌ی کافی جهتِ تدوین و به‌کارگیری برنامه‌های آموزشی، پیشگیرانه و درمانی با هدف کاهش میزان مشروط-شدن دانشجویان و آسیب‌های روانشناختی توام با آن را فراهم کرده است. درواقع برنامه‌ریزیان بایستی نسبت به آسیب‌های روان‌شناختی شناسایی شده توجه کافی اِعمال کرده و جهت کاهش شدت شیوع آن‌ها برنامه‌های مدون و اختصاصی طراحی و اجرایی کنند.

محدودیت‌های پژوهش

دشواری در جلب اعتماد بسیاری از دانشجویان مشروطی و امتناع آن‌ها از توضیحات گسترده پیرامون سوالات ارائه‌شده تنها محدودیت پژوهش حاضر بود که دست‌یابی به اطلاعاتی غنی و جامع را تا حدی با مشکل مواجه می‌کرد. درواقع بسیاری از دانشجویان مشروطی را اتفاقی قبیح می‌دانستند و متاثر از احساسات پنهان نظیر شرمندگی چندان تمایل به گفت‌وگوی جامع و باز نداشتند. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این مسئله مدنظر قرار گیرد و فرایند مصاحبه به افرادی محدود شود که چنین احساسات بازدارنده‌ای ندارند و به‌سهولت تجارب خود را بیان می‌کنند.

تشکر و قدردانی

مطالعه حاضر برگرفته از طرح پژوهش پایان‌نامه دفاع شده نویسنده اول با کد ثبت ایرانداک۲۵۹۰۰۸۳ در دانشکده روان-شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی می‌باشد. از تمامی دانشجویان و تمامی کارکنان معاونت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی که به نحوی در انجام پژوهش حاضر نقش داشتند تشکر می‌نمائیم.

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.18502/jmed.v15i4.5904]

تضاد منافع

در انجام مطالعه حاضر نویسندگان هیچ گونه تضاد منافعی نداشته‌اند.

References

1. Hamman RF, Bell RA, Dabelea D, et al. ***The SEARCH for Diabetes in Youth study: rationale, findings, & future directions.*** Diabetes Care. 2014; 37(12): 3336-3344.

2. Zimmerman GM, Messner SF. ***Individual, family background, & contextual explanations of racial & ethnic disparities in youths' exposure to violence.*** American Journal of Public Health. 2013; 103(3): 435-442.

3. Kafashan M. ***Comparative Study of Premarital Relations among Students of Yazd University & Free & Related Factors.*** [MCs Thesis]. Yazd, Iran: Yazd University 2015: 43-48. [In Persian].

4. Choupani M, Karami, M. ***Outbreak of psychosocial damage based on the family life cycle in the guard's families.*** [MCs Thesis]. Iran, Tehran: Comprehensive imam Hossein University; 2017. P 64-66.[In Persian].

5. Banai B, Perin V. ***Type of High School Predicts Academic Performance at University Better than Individual Differences.*** PloS one. 2016; 11(10): 1-10.

6. Ostovar S, Abedi M. ***Comparison of Motivational Beliefs and Self-Regulatory Learning Strategies in Conditional & Normal Students.*** Journal of Educational Psychology Studies 2016; 13(24): 1-20. [In Persian].

7. Isik U, Tahir OE, Meeter M, et al. ***Factors Influencing Academic Motivation of Ethnic Minority Students: A Review.*** Sage Open. 2018; 8(2): 1-23.

8. Mahmoudpour A, Darba M, Sheikhi S, et al. ***predicting students' achievement motivation based on academic self-efficacy, academic self-efficacy, dysfunctional attitudes, and the meaning of education.*** Rooyesh 2020; 9(8) :51-62. [In Persian].

9. Poratshi M, Zamani A. ***The Effect of Educational Factors on Academic Degeneracy of Engineering Students.*** Iranian Agricultural Economics and Development Research 2018; 49(1): 151-163. [In Persian].

10. Steinhoff A, Buchmann M. ***Co-Development of Academic Interest & Effortful Engagement & Its Role for Educational Attainment in a Tracked School System.*** Research in Human Development. 2017*;*14(2): 122-142.

11. mahmoudpour A, Darba M, Khanjani Veshki S, Pasha S. Predicting student's academic competence based on parenting styles, perceived self-efficacy and emotion regulation, psychological science, 2020; 19 (93): 1115- 1124.

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.18502/jmed.v15i4.5904]

12. Cheraghi M, Chobi F, Soltani T. ***Causes & Factors of Academic Disappearance in Students of Ahwaz Jundishapur University of Medical Sciences***. Journal of Modern Advances in the Humanities 2017; 2(25): 37-45. [Persian].

13. Shakerinia I. ***Comparing the quality of life and the motivation for the progress of contingent and non-controversial students.*** . [MCs Thesis]. Gilan, Iran: Gilan University, 2018. p. 40-50. [In Persian].

14. Tamanayifar MR, Neiazi M, Amini M. ***Comparison of Factors Affecting the Student's Graduation in Successful and Unsuccessful Students.*** Journal of Daneshvar Behavior 2006;4(24): 58-82. [In Persian].

15. Firozi MR. ***The Effectiveness of self-efficacy group training on self-management and hopefulness of probationary students.*** [MCs Thesis]. Yasooj, Iran: Yasooj University, 2017. p. 33-35. [In Persian].

16. McManus IC. ***Medical school applications--a critical situation***. BMJ. 2002;325(7368):786-787.

17. López-Bárcena J, González-de Cossío Ortiz M, Avila-Martínez I, Teos-Aguilar O. ***Epidemiological health factors and their relationship with academic performance during the first year of medical school. Study of two generations.*** Gacita Medica Mexico 2009; 145(2): 81-90.

18. Salimi T, Shagbazi L, Sayedhasani SH, Ahmadiyeh MH, Karimi H, Dehghanpour MH. ***Studying the factors affecting the conditionalization of students of Shahid Sadoughi University of medical sciences in Yazd.*** The Journal of Medical Education and Development 2007; 2(1): 15-23. [In Persian].

19. Rahimi S, Heshmati H, Moghadam Z. ***The Study of the Frequency and Factors Affecting the Academic Loss of Students Residing in Dormitories of Paramedicine and Health Schools of Golestan University of Medical Sciences in the academic year of 2010-2011.*** Journal of Torbat Heydarieh University of Medical Sciences 2014; 2(1): 16-28. [In Persian].

20. Liddell MJ, Davidson SK. ***Student attitudes & their academic performance: is there any relationship?*** Medical Teacher*, 2004;* 26(1): 52-56.

21. Yokoyama S. ***Academic Self-Efficacy & Academic Performance in Online Learning: A Mini Review.*** Frontiers in Psychology 2019; 9: 2794-2794.

22. Tolabi Z. ***Identify causes and factors affecting academic failure of management at the University of Kermanshah 87 to 91 years.*** [MCs Thesis]. Ilam, Iran: Ilam University, 2012. p. 30-33. [In Persian].

23. Gbollie C, Keamu HP. Student academic performance: The role of motivation, strategies, and perceived factors hindering Liberian junior and senior high school students learning. Education Research International. 2017; 20(1): 1-11.

24. Hasanvandi S, Nori R, Sohailizadeh S, Amirsiafi P, Hosainian S, Jamshidi MA. ***Casual model Self-incapacitation in student.*** Journal of Educational Strategies in Medical Sciences 2015; 9(4): 266-276. [In Persian].

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.18502/jmed.v15i4.5904]

25. Erzen E. ***The Effect of Anxiety on Student Achievement***. In E. Karadag (Ed.), The Factors Effecting Student Achievement: Meta-Analysis of Empirical Studies. Cham: Springer International Publishing. 2016: 75-94.

26. McCarty CA, Mason WA, Kosterman R, Hawkins JD, Lengua LJ, McCauley E. ***Adolescent school failure predicts later depression among girls***. Journal of Adolescent Health 2008; 43(2): 180_187.

27. Crosnoe R. T***he Connection Between Academic Failure & Adolescent Drinking in Secondary School.*** Sociology of Education 2006; 79(1): 44-60.

28. Kremer KP, Flower A, Huang J, Vaughn MG. ***Behavior problems & children's academic achievement: A test of growth-curve models with gender & racial differences.*** Children and Youth Services Review 2016; 67: 95-104.

29. Ibabe I. ***Academic Failure & Child-to-Parent Violence: Family Protective Factors.*** Frontiers in Psychology 2016; 7, 1538-1538.

30. Pagani L, Boulerice B, Vitaro F, Tremblay RE. ***Effects of poverty on academic failure & delinquency in boys: A change & process model approach.*** Journal of Child Psychology & Psychiatry 1999; 40(8): 1209-1219.

31. Lee WW. R***elationships among grit, academic performance, perceived academic failure, & stress in associate degree students.*** Journal of Adolescence 2017; 60: 148-152.

32. Karami M, Choupani M. ***Counselors' Perception of their Competency Skill Components: A Qualitative Study.*** Journal of Qualitative Research in Health Sciences 2019; 7(3): 264-278.

33. Smith JA, Osborn M. ***Interpretative phenomenological analysis as a useful methodology for research on the lived experience of pain.*** British journal of pain 2015; 9(1): 41-42.

34. Lee J, McFerran KS. ***Applying Interpretative Phenomenological Analysis to Video Data in Music Therapy.*** Qualitative Research in Psychology 2015; 12(4): 367-381.

35. Diekelmann, N. L., Allen, D., Tanner, C. A., & National League for Nursing. ***The NLN criteria for appraisal of baccalaureate programs: A critical hermeneutic analysis.*** New York: National League for Nursing. 1989: 15-2253.

36. Guba EG, Lincoln YS. ***Fourth generation evaluation.*** Sage; 1989.

37. Gizir S, Simsek H. ***Communication in an academic context.*** Higher Education 2005; *50*(2), 197-221.

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.18502/jmed.v15i4.5904]

The Idification of the Damages and Psychological Dysfunctions of the Students with Academic Failure: A Phenomenological Study

Aminian A (PhD Student) [1], *Mahmoodpour A (PhD Candidate)** [2]

[1]. *PhD Student of counseling, Islamic Azad University, Tehran, Iran*
[2]. *PhD. Candidate Of Counseling, Allameh Tabataba'I University, Tehran, Iran*

Received: 26 Mar 2020 ***Revised:*** 27 May 2020 ***Accepted:*** 18 Jan 2021

Abstract

Introduction: Academic failure is one of the most common problems of the academic problems among the university students which accompanied by a range of interpersonal and psychological damages and conftont with disturbance the person' s function in all aspects of the life. The purpose of the current study was to qualitative investigation of the damages and psychological dysfunctions of the students with academic failure.

Method: This study was administered by qualitative method and using the descriptive phenomenological. The under study population in this study consisted of all master' s degree students with academic failure in Allameh Tabatabayi University in the years of 2016-2018. Also the sampling method was purposeful sampling during which 16 subjects from the target population were selected to participate in the study and were interviewed. All interviews were recorded and then transcribed line by line and eventually were analized by using the Diekelmann et al. descriptive analysis method.

Results: the 16 semistructured interviews were conducted and the analysis of the data from the interviews led to identification and classifying of 6 main themes (psychological distress and discomfort, unpleasent percieved emotions, cognitive-mental damages, unresolved grief, low self-esteem, failures and relational Inconveniences) and 26 sun themes in context of the psychological damage and malfunctions of the students became conditional.

Conclusion: Based on the results, functional programs should be designed and implemented with the aim of correcting and improving the common psychological injuries and dysfunctions among conditional students, thus increasing their efficiency in taking care of their academic duties and responsibilities.

Keywords: psychological damages, student, academic failure, student, phenomenology

This paper should be cited as:

Aminian A, Mahmoodpour A. ***The Idification of the Damages and Psychological Dysfunctions of the Students with Academic Failure: A Phenomenological Study.*** J Med Edu Dev; 15(4): 271-286.

*** Corresponding Author: Tel: +989197758044, Email: Mahmoudpour@atu.ac.ir***

[Downloaded from jmed.ssu.ac.ir on 2026-11-20]

[DOI: 10.18502/jmed.v15i4.5904]